

بررسی ویژگی‌های مشترک «سبک گفتاری»

در آثار شاعران برجسته این سبک

فرزانه محمودی*

چکیده

شعر معاصر با توجه به جریاناتی که پشت سر گذاشته و از لحاظ تغییراتی که در وزن، قافیه، موسیقی، فرم و... به خود دیده، از نظر سبکی نیز روند تازه و بی‌بدیلی را تجربه کرده است. پرداختن به سبک گفتاری (روایی) و ویژگی‌های مشترک این سبک در آثار شاعران معاصر حائز اهمیت است. سبک گفتاری، سبکی است که اکثر شاعران معاصر در آن طبع آزمایی کرده و دارای ویژگی‌های مشترک زیادی در این زمینه هستند. این سبک که عنصر برجسته آن روایت است، در آثار این شاعران نمود بیشتری دارد؛ بدین منظور این پژوهش در جهت تحلیل و بررسی اشتراکات شاعران پیرو این سبک انجام شده است. تا از این رهگذر ویژگی‌های سبک شناختی سبک گفتاری (روایی) به صورت هر چند مختصر ولی ارزنده به مطالعات و تحقیقات سبک‌شناسی و زبان‌شناسی ادبیات فارسی افزوده شود.

کلید واژه‌ها:

سبک‌شناسی، سبک گفتاری، شاعران معاصر

* - کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ارومیه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ارومیه - ایران. (نویسنده مسؤول)

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۶/۲۴

تاریخ وصول: ۹۴/۱۱/۱۳

مقدمه

شعر نو از نظر سبکی در آثار شاعران معاصر، راهی جدید و متفاوت را نسبت به سبک‌های ادوار پیشین آغاز کرده است. تفاوتی که سبک شعر نو با سبک شعر گذشته دارد این است که در دوره معاصر یک شاعر همواره می‌تواند پیرو چند سبک مختلف باشد. به عنوان مثال: سهراب سپهری علاوه بر سبک گفتاری، سروده‌هایی در زمینه سبک‌های دیگر از جمله سبک رفتاری، پنداری و دیداری نیز دارد. در حالی که، در دوره‌های گذشته یک شاعر فقط می‌توانست پیرو یک سبک خاص باشد؛ بیدل دهلوی شاعر سبک هندی است که فقط در این سبک هنرنمایی کرده است؛ بنابراین این یک امتیاز ویژه و متفاوت برای سبک شعر معاصر محسوب می‌شود. برای پرداختن به بحث مهمی که در این باره مورد شرح و بررسی قرار می‌گیرد، بایسته است که به تعریفی مختصر از خود سبک اشاره کنیم. دکتر زرین کوب در این مورد می‌گوید: «سبک عبارت است از شیوه خاص در نزد هر گوینده - تعبیر صادقانه‌ای است که از طرز فکر و مزاج طبع او - اگر طبع شاعر تند و سرکش باشد، سبک بیانش غالباً سریع و کوتاه می‌شود و اگر طبعی داشته باشد خیال‌پرور و رؤیایی، سبک او درآکنده می‌شود از استعارات و مجازات دور و دراز.» (زرین کوب، ۱۳۴۷: ۱۹۲)

یکی از پژوهش‌هایی که در حیطه سبک‌شناسی شعر نو انجام شده و مطالبی بس مفید را در اختیار ادب دوستان قرار داده و مبنای این پژوهش هم بر آن قرار گرفته است، مقاله‌ای تحت عنوان (ویژگی‌های بنیادی سبک‌های شعر فارسی) از جناب آقای دکتر علیرضا مظفری است. در ابتدا می‌بایست به تعریفی جامع از خود سبک گفتاری اشاره کرد تا به آشنایی اولیه و درک بهتر مطالب بعدی برسیم.

«عنصر غالب و برجسته این سبک «روایت» است. این، سبکی است که از طریق گفت و گو، مخاطبه و روایت پیش می‌رود. شاعر این سبک، راوی است که اتفاق یا صحنه مشخصی را از پشت عینک احساسات و عواطف شخصی خود دریافته، آن را با زبانی خطابی چنان القا می‌کند که هر خواننده‌ای می‌تواند آن را، روایت خود به شمار آورد. چنین شعری، یا روایت شاعر از اتفاق درونی و بیرونی است که بر وی واقع شده، یا روایت دیگران است به شیوه روایت داستان

و حکایت. انتظار شاعر از به کار بردن این سبک، دست یافتن به تفاهمی عاطفی با مخاطب خود است.

زیبایی این سبک تنها در استفاده از بیانی صمیمی و عاطفی است که همین امر، - نه آراستگی های بدیعی و صور خیال کم و بیشی که ممکن است خودش را در مطایب سخن نشان دهد - سبب دل بستگی مخاطب به شنیدن و خواندن سخنان شاعر می شود. لذت ناشی از خواندن شعر در چنین سبکی، لذت هم ذات پنداری با شاعر یا راوی ماجراست. شاعر پیرو این سبک برای برجسته سازی عنصر گفتار، تمایل زیادی به بهره مندی از گویش های طبقات مختلف فرهنگی و سنی دارد». (مظفری، ۱۳۹۱: ۲۸۱)

دو واژه «روایت» و «برجسته سازی» در این سبک جلوه و نقش مهمی دارند و سبک گفتاری را از دیگر سبک های شعر معاصر متمایز می کند. واژه روایت که معنایی آشنا و معمول برای همه خوانندگان دارد و از قدمتی دیرین در ادبیات فارسی برخوردار است، عنصری است که سرگذشت یک رویداد یا اتفاق را بازگو می کند. گاهی ممکن است که این روایت کوتاه و مختصر باشد و گاهی ممکن است بنا بر رویداد مورد نظر طولانی باشد. در واقع منظور از رویداد، رویداد یا حادثه ناخوشایند نیست بلکه می تواند روایندی خوشایند و جذاب نیز باشد. عنصر دیگری که در سبک گفتاری نقش مهمی ایفا می کند «برجسته سازی» است. عناصر متعددی می تواند یک گفتار و روایت را برجسته و متمایز کند. بنابراین، برجسته بودن یک گفتار به کمک ویژگی های متعدد زبانی و سبکی می تواند ویژگی مهم دیگری باشد که سبک گفتاری آن را درست. بی شک همه دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی با عنصر برجسته سازی آشنایی کامل دارند. برجسته سازی اصطلاح آشنا و متداولی است که در حیطه آرایه های ادبی مخصوصاً استعاره جلوه بیشتری دارد. حال اینکه در سبک مورد بحث که از برجسته سازی سخن به میان می آید پس، از استعاره نیز سخن به میان خواهد آمد. نکته دیگری که لازم به ذکر است، این است که برجسته سازی در سبک گفتاری به غیر از حوزه استعاره، در حوزه ترکیبات شگفت و زیبا نیز جلوه نمایی می کند که در قسمت اول این پژوهش به آن پرداخته شده است.

بررسی ویژگی‌های مشترک سبک‌شناسی گفتاری در...

لازم به ذکر است که در سبک گفتاری نمی‌توان ادعا کرد که چند شاعر مخصوص و ثابت، پیرو این سبک‌اند؛ بنابراین برای بررسی و تبیین این سبک، چند تن از شاعرانی را که در این سبک ماهر و بنام‌اند و سروده‌ها و آثارشان گویا و نمونه بارز این سبک است، مورد بررسی قرار داده‌ایم. بنابراین ذکر نکردن نام و آثار دیگر شاعران معاصر به این معنا نیست که آنان از محدوده این سبک خارج‌اند و هیچ‌گونه اشعاری در این زمینه ندارند.

مقاله در سه بخش نگاشته شده است که بخش نخست آن به ویژگی‌های مضمونی شاعران پیرو این سبک پرداخته است. در این بخش موضوعات مشترک روایت‌های این شاعران بر اساس موضوعات متنوعی که دارند، طبقه‌بندی شده است.

در بخش دوم، به بررسی ویژگی‌های صوری که شامل صور خیال به کار رفته در این شاهد مثال‌هاست، پرداخته شده است. صورخیال‌هایی که شاعران گلچین شده این سبک، به طور مشترک از آن‌ها استفاده کرده‌اند، نه تنها پیچیده نیستند بلکه تا حد ممکن از آرایه‌هایی بهره گرفته‌اند که به سادگی و روانی روایت‌هایشان نزدیک باشد و گفتارشان را بدون مشکل و درنگ به مخاطب خود انتقال دهند.

آخرین بخش از مقاله به بررسی ویژگی‌های زبانی این روایت‌ها می‌پردازد. زبان در آثار این شاعران همانند صورخیالشان، ساده و بی‌تکلف است؛ سادگی که به روانی این گفتارها سرعت می‌بخشد. این سادگی و روانی را با استفاده از نمودارهایی که ترسیم شده است، بهتر می‌توان دریافت.

درآمد

۱- ویژگی‌های مضمونی

نخستین مبحثی که در زمینه آثار روایی یک شاعر به نظر می‌رسد، طبقه‌بندی موضوع است. ابتدا موضوعات مشترک روایت‌های این شاعران گلچین شده از سبک گفتاری را به ترتیب زمانی هرکدام از این شاعران در ذیل می‌آوریم.

الف) عاطفی - اجتماعی

*دنیای سایه‌ها

شب به روی جاده نمناک

سایه‌های ما گویی ز ما گریزانند

دور از ما در نشیب راه

در غبار شوم مهتابی که می‌لغزد

سرد و سنگین بر فراز شاخه‌های تاک

سوی یکدیگر به نرمی پیش می‌راند

شب بر روی جاده نمناک

در سکوت خاک عطر آگین

ناشکیبا که به یکدیگر می‌آویزند ...

(فرخ‌زاد، ۱۳۸۲: ۴۵)

*بر سنگ فرش

یاران ناشناخته‌ام

چون اختران سوخته

چندان به خاک تیره فروریختند سرد

که گفتی

دیگر

زمین

همیشه

شبی بی‌ستاره ماند

آن‌گاه

من

که بودم

جغد سکوت لانه تاریک درد خویش

(شاملو، ۱۳۷۷: ۸۳-۸۴)

چنگ ز هم گسیخته‌زه را ...

*ای همه سیماها

در سرای ما زمزمه‌ای ، در کوچه ما آوازی نیست
 شب، گلدان پنجره ما را ربوده است
 پرده ما در نوسان وحشت خشکیده است
 اینجا، ای همه لب‌ها! لبخندی ابهام جهان را پهنای می‌دهد
 پرتو فانوس ما، در نیمه راه، میان ما و شب هستی مرده است... (سپهری، ۱۳۸۷: ۲۰۹)

*کوچ

بشر دوباره به جنگل پناه خواهد برد
 به کوه خواهد زد
 به غار خواهد رفت
 تو کودکانت را ، بر سینه می‌فشاری گرم
 و همسرت را ، چون کولیان خانه به دوش
 میان آتش و خون می‌کشانی از دنبال... (مشیری، ۱۳۷۹: ۱۹)

*نکوهش

کردید و نکردید!
 میراث تبار خرد آینه‌ها را
 - کان پیر، همی جست نشان شان به چراغی
 تا یابد از آن آینه مردان، مگر اینجا
 در ظلمتِ هنگامه ایام سراغی -
 زاندیشه عشاق و زآفاق ستردید
 آن یوسف گمگشته آمال بشر را
 گامی دو برون نامده تا مرز حقیقت
 بردید و بدان گرگ سپردید... (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۷: ۲۱۴)

(ب) عاطفي - شخصي

*ووصل

آن تيره مردمکها، آه
آن صوفيان ساده خلوت نشين من
در جذبۀ سماع دو چشمانش
از هوش رفته بودند
ديدم که بر سراسر من موج مي زند
چون هرم سرخ گونه آتش
چون انعکاس آب
چون ابري از تشنج بارانها
چون آسماني از فصلهاي گرم
تا بي نهايت
تا آنسوي حيات
گسترده بود او... (فرخ زاد، ۱۳۸۲: ۶۹-۷۰)

*دريغا انسان...

اي يار، نگاه تو سپيدهدمي ديگر است
تابان تر از سپيدهدمي که در روياي من بود:
سپيدهدمي که با مرثيه ياران من
در خون بخشکيد
و در ظلمات حقيقت فروشد... (شاملو، ۱۳۷۲: ۳۴)

*روشنی، من، گل، آب

ابري نيست

بادي نيست

مي نشينم لب حوض

گردش ماهی‌ها، روشنی، من، گل، آب
 پاکی خوشه زیست
 مادرم ریحان می‌چیند
 نان و ریحان و پنیر، آسمانی بی‌ابر، اطلسی‌هایی تر
 رستگاری نزدیک، لای گل‌های حیاط... (سپهری، ۱۳۸۷: ۳۳۵-۳۳۶)

* چراغ چشم تو
 تو کیستی، که من این‌گونه، بی‌تو بی‌تابم؟
 شب از هجوم خیالت نمی‌برد خوابم.
 تو چیستی، که من از موج هر تبسم تو
 بسان قایق، سرگشته، روی گردابم!
 تو در کدام سحر، بر کدام اسب سپید؟... (مشیری، ۱۳۸۹: ۲۰۴)

* یک مژه خفتن
 دارم سخنی با تو و گفتن نتوانم
 وین درد نهان سوز، نهفتن، نتوانم
 تو گرم سخن گفتن و از جام نگاهت
 من، مست چنانم که شنفتن، نتوانم
 شادم به خیال تو، چو مهتاب، شبانگاه
 گر دامن وصل تو، گرفتن، نتوانم... (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۷: ۵۲)

ت) اجتماعی - سیاسی

* دیدار در شب
 و من فکر می‌کنم که تمام ستاره‌ها
 به آسمان گمشده‌ای، کوچ کرده‌اند
 و شهر، شهر چه ساکت بود

در سراسر طولِ مسیرِ خود
جز با گروهی از مجسمه‌های پریده رنگ
و چند رفتگر
که بوی خاکروبه و توتون می‌دادند... (فرخ‌زاد، ۱۳۸۱: ۱۴۲)

* تا شکوفه‌های سرخ یک پیراهن
سنگ می‌کشم بر دوش،
سنگِ الفاظ
سنگِ قوافی را
و از عرق ریزان غروب ، که شب را
در گودِ تاریک‌اش
می‌کند بیدار
و قیر اندود می‌شود رنگ
در نابینایی تابوت
و بی‌نفس می‌ماند آهنگ
از هراسِ انفجارِ سکوت
من کار می‌کنم
کار می‌کنم
کار...
و از سنگ الفاظ
برمی‌افرازم ... (شاملو، ۱۳۷۲: ۱۶-۱۸)

* صدای پای آب
مرگ پایان کبوتر نیست
مرگ وارونه یک زنجیره نیست
مرگ در ذهن افاقی جاری است

مرگ در آب و هوای خوش اندیشه نشیمن دارد
 مرگ در ذات شب دهکده از صبح سخن می‌گوید
 مرگ با خوشه انگور می‌آید به دهان... (سپهری، ۱۳۸۷: ۲۹۶)

* چتر وحشت

سینه صبح را گلوله شکافت!
 باغ لرزید و آسمان لرزید
 خواب ناز کبوتران آشفته سرب داغی به سینه‌هاشان ریخت
 ورد گنجشک‌های مست گسست
 عکس گل در
 بلور چشمه، شکست
 رنگ وحشت به لحظه‌ها آمیخت
 پر خونین، به شاخه‌ها آویخت... (مشیری، ۱۳۷۹: ۲۷)

* خموشانه

شهر خاموش من! آن روح بهارانت کو؟
 شور و شیدایی انبوه هزارانت، کو؟
 می‌خزد در رگ هر برگ تو، خوناب خزان،
 نکهت صبحدم و بوی بهارانت کو؟
 کوی و بازار تو، میدان سپاه دشمن،
 شیئه اسب و هیاهوی سوارانت، کو؟... (شفیع کدکنی، ۱۳۷۷: ۱۱۶)

ث) عارفانه

*ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد
 سلام ای شب معصوم!
 سلام ای شبی که چشم‌های گرگ‌های بیابان را

به حفره‌های استخوانی ایمان و اعتماد، بدل می‌کنی

و در کنار جویبارهای تو، ارواح بیدها

ارواح مهربان تبرها را می‌بویند

من از جهان بی تفاوتیِ فکرها و حرف‌ها و صداها می‌آیم... (فرخ‌زاد، ۱۳۷۸: ۲۶۰)

فرخ‌زاد در این شعر خویش، با آوردن ترکیب ارواح بیدها در کنار تبرها، به نوعی به تاریکی شب اشاره می‌کند که در آن دوست و دشمن مشخص نیست و بیدهای لرزان نادانسته در کنار تبر که دشمن جان اوست با آرامشی که از عدم شناختش از آن ناشی می‌شود، قرار گرفته است. فرخ‌زاد از اعتماد انسان‌ها به کسانی سخن گفته که در ظاهر دوست می‌نمایند ولی در اصل دشمن وی‌اند و هویت واقعی خود را پنهان می‌کنند و دنبال چیزی ورای این ظاهر پرستی‌ها اند.

* و ترسیم...

و ترسیم از مرگ

مرگ پایان کبوتر نیست... (سپهری، ۱۳۷۱: ۲۹۶)

در این نمونه از سپهری نیز واژه «کبوتر» برجستگی ساده ولی پرمعنایی به کلامش بخشیده است. دکتر شریفیان در این مورد می‌گوید: «کبوتر رمز روح، احساس‌های معنوی و آرمان و آرامش است». (شریفیان، ۱۳۸۱: ۶۸)

*رود...

اینک محرابِ مذهبِ جاودانی که در آن

عابد و معبود و عبادت و معبد

جلوه‌ای یکسانی دارند:

بنده پرستشِ خدای می‌کند

هم از آن‌گونه

که خدای

بنده را...

ای صبور! ای پرستار!

ای مؤمن!

پیروزی تو میوه حقیقت توست... (شاملو، ۱۳۷۲: ۴۶)

※هلا

تنها به تماشای چه‌ای؟

بالا، گل یک روزه نور

پایین، تاریکی باد

بیهوده مپای، شب از شاخه نخواهد ریخت، و دریچه‌ی خدا

روشن نیست

(سپهری، ۱۳۸۷: ۲۱۸)

از برگ سپهر، شب‌نم ستارگان خواهد پرید...

منظور سپهری با توجه به ترکیبات «شب از شاخه نخواهد گریخت» و «شب‌نم ستارگان» این است که: تاریکی شب از بین نمی‌رود و تاریکی مطلق هست و امیدی به روشنایی روز نیست. در ادامه سپهر (آسمان) را به برگ و ستارگان را به قطره‌های شب‌نم تشبیه می‌کند که ستارگان که تنها نقطه‌های نورانی شب‌اند و آسمان را روشن می‌کنند نیز ناپدید شده و همه جا در تاریکی مطلق فرو خواهد رفت، پس بیهوده منتظر روشنایی نباش.

※اضطراب ابراهیم

این صدا، صدای کیست؟

این صدای سبز،

نبض قلب آشنای کیست؟

این صدا که از عروق ارغوانیِ فلق

وز صفیرِ سیره و

ضمیرِ خاک و

نایِ مرغِ حق

(شفیعی کدکنی، ۱۳۷۷: ۹۸)

می‌رسد به گوش‌ها صدای کیست؟

ترکیب «عروق ارغوانی فلق» در این شعر از دکتر شفیع کدکنی، می‌تواند بیان‌گر این باشد که صدایی که از رگ‌های گلوی آسمان برخاسته (صدایی که از آسمان به گوش می‌رسد، انگار که آسمان فریاد می‌کشد) صدای چه کسی می‌تواند باشد؟! صدایی ورای ظاهرسازی و ظاهر پرستی این دنیا! باید یادآوری کرد از آنجایی که تفاوت در ویژگی‌های مضمونی امکان-پذیر است، این نوع روایت (عارفانه) در اشعار روایی همه شاعران یافت نمی‌شود و لذا اکثر شاعران پیرو این سبک دارای این نوع روایت‌اند نه همه آن‌ها.

۲- ویژگی‌های صوری

قبل از پرداختن به ویژگی‌های صوری روایات این شاعران و این‌که از چه تصویرهایی برای بیان روایت‌های خود استفاده کرده‌اند، لازم است که در مورد زاویه دید این شاعران توضیح مختصری دهیم.

همان‌طور که در تعریف این سبک گفته شد، شاعر سبک روایی به نوعی به روایت می‌پردازد که گویی خواننده این شعر می‌پندارد این شعر از زبان خودش بیان شده و راوی این شعر است؛ این ویژگی یک امتیاز برجسته برای سبک گفتاری محسوب می‌شود ولی این ادعا، دلیل بر این نیست که راوی واقعی و اصلی را که همان خود شاعر است، از یاد ببریم. بنابراین در همه روایت‌های ذکر شده، ویژگی مشترک دیگری را که می‌توان برای این شاعران گلچین شده یادآور شویم، اول شخص بودن زاویه دید این شاعران است که از زبان خود به بیان روایت‌های مختلف می‌پردازند.

در مورد ویژگی‌های صوری و تصویرسازی‌هایی که این شاعران به قصد بیان روایت‌های خود به کار برده و استفاده کرده‌اند؛ باید گفت که تصویرهای این شاعران از نوع تصویرها و آرایه‌های مبهم و سردرگم کننده نبوده است و بیشتر از آرایه‌هایی استفاده کرده‌اند که حرف اول را برای شکل دادن و تجسم یک تصویر در ذهن مخاطب می‌زنند، و این آرایه‌ها یعنی تشبیه و استعاره‌اند. اما نوع تشبیه و استعاره در این جا مهم است.

بررسی ویژگی‌های مشترک سبک شناسی گفتاری در...

تشبیهات این روایت‌ها، کاملاً تشبیهاتی رسا با وجوه تشبیه‌هایی واضح و نزدیک به ذهن و استعاراتی از نوع آشکار که مطابق با ذوق عام مخاطبان و قابل پسند مخاطبان در هر گروه سنی است. در ادامه مبحث به ذکر نمونه‌هایی از این نوع تصویرسازی‌ها و آرایه‌ها می‌پردازیم. برای نمونه در موضوعات عاطفی-اجتماعی این شاعران، همه آنان از واژه «شب» به عنوان نمادی برای ترسیم شرایط اجتماعی جامعه خود استفاده کرده‌اند. در موضوعات شخصی خود از تشبیه و استعاره بیشتر بهره برده‌اند. مانند؛ تشبیه نگاه به سپیده‌دم:

ای یار نگاه تو سپیده دمی دیگر است

تابان‌تر از سپیده دمی که در رؤیای من بود... (شاملو، ۱۳۷۲: ۳۴)

و یا در سروده «جام نگاه و درد نهان‌سوز»:

وین دردِ نهان‌سوز، نهفتن، نتوانم

تو گرم سخن گفتن و از جام نگاهت... (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۷: ۵۲)

و همچنین «دامن وصل» از ایشان:

شادم به خیال تو چو مهتاب شبانگاه

گر، دامن وصل تو، گرفتن، نتوانم... (همان: ۵۲)

در قسمت سوم این موضوعات، نیز مجدداً از آرایه‌های نام‌برده استفاده کرده‌اند؛ مثل: ستاره، سنگ الفاظ، ذهن اقاقی، سخن گفتن مرگ، سینه صبح و شهر خاموش من.

همچنین در قسمت عارفانه روایت‌های این شاعران نیز از تشبیه و استعاره که عمده آرایه مورد کاربرد این شاعران است، استفاده شده است مانند: میوه حقیقت، صدای سبز، مرغ حق و ... که ابیات این تصویرسازی‌ها در شاهد مثال‌هایی که برای هر قسمت آورده شده است، بیان شده است و لازم به ذکر مجدد این ابیات نیست.

باید یادآوری کرد که در این روایت‌ها صورخیال کم و بیش دیده می‌شود و این کم و بیشی به معنای آن نیست که شاعران این سبک در حیطه صورخیال خود کاستی به خرج داده‌اند. با توجه به شاهد مثال‌های ذکر شده در خصوص این سبک، می‌توان به کمبود تصویرسازی در این سبک پی برد و دلیل این کمبود چیزی جز انتقال صریح و مستقیم روایت و گفتار شاعران به مخاطبان نیست؛ همین امر باعث شده تا این سبک در تصویر و خیال‌پردازی بسامد بالایی

نداشته باشد و این همان چیزی است که موضوع بیان و زبان ساده و روان را به خودی خود بر ما آشکار می‌سازد؛ بنابراین، چیزی که مهم‌تر از صورخیال در این سبک است، بیان و زبان صمیمانه و عاطفی شاعر است که به عنوان مهم‌ترین ویژگی سبک گفتاری برگزیده شده است.

دکتر محمود فتوحی در مورد زبان می‌گوید: «صورت آرمانی زبان که اجتماعی و مستقل از فرد است و منحصرأ جنبه ذهنی دارد، همان نظام زبان که دستگاهی از واج‌ها و کلمات است که اهل یک زبان دانش مشترکی درباره آن دارند و همگان بر آن متفق‌اند. همان بخش از زبان که لغت‌نامه‌ها و کتاب‌های دستور آن را توصیف می‌کنند. به تعبیری، «زبان فارسی» با کل امکانات واژگانی و دستوری‌اش، نظامی است که در میان جامعه فارسی‌زبانان همچون یک قرارداد اجتماعی مقبولیت یافته است.» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۳۶)

در مورد بیان و اینکه چه ارتباطی می‌تواند با زبان داشته باشد، می‌توان به خوبی دریافت که لحن و نحوه ادای جملات در انتقال زبان، که همان بیان نامیده می‌شود، نقش محوری و تعیین‌کننده‌ای در انتقال زبان دارد.

۳- ویژگی‌های زبانی

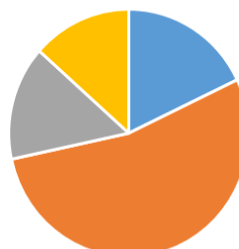
در این قسمت موردی که لازم است تا در خصوص روایت‌های این شاعران گفته شود، بررسی زمان روایت‌هاست. برای بررسی زمان این روایت‌ها، می‌بایست نوع فعل‌هایی که از آنها استفاده کرده‌اند، مشخص شود. دلیل اینکه نوع افعال به کار برده شده در این روایت‌ها با ترسیم نمودار بیان شده این است که به موضوع نحوه بیان و ادای روایت که پیش‌تر شرح آن گذشت، تأکید شود و سادگی بیان با استفاده از به کارگیری افعال ساده، بار دیگر به اثبات برسد. استفاده از افعال گوناگون در روایت‌ها از آغاز شعر پارسی تا بدین روز در همه اشعاری که جنبه روایی دارند، آشکار است، لذا در این‌گونه روایت‌ها (روایت‌های سبک گفتاری) و در این دوره از شعر فارسی (معاصر)، افعالی به کار گرفته شده است که بیانگر روانی و سادگی است نه افعال پیچیده و دشوار آمیخته با درنگ و تعلل. بدین جهت در نمودارهای زیر که با توجه به شاهد مثال‌های ذکر شده ترسیم شده‌اند، درصد استفاده از افعال ساده نمایش داده شده است.

فریلون مشیری



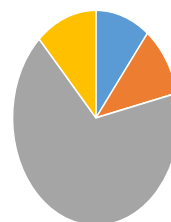
■ حل ساده ■ حل ساده ■ حل ساده

فروغ فرخزاد



■ مضارع اخباری ■ حل ساده ■ حل ساده ■ حل ساده

سهراب سپهری



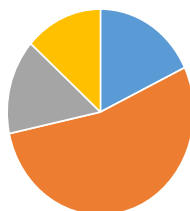
■ حل ساده ■ حل ساده ■ حل ساده ■ حل ساده

محمدرضا شفیعی کدکنی



■ حال ساده ■ امر ■ ماضی استمراری ■ ماضی ساده

احمد شاملو



■ حال ساده ■ حال ساده ■ حال ساده ■ مضارع اخباری

به غیر از مبحث افعال، مورد دیگری که بایسته است در حوزهٔ زبانی روایت‌های این شاعران مورد بررسی قرار بگیرد، واژه‌ها و کلمات به کار رفته شده در این سبک است. در تعریف این سبک، گفته شد که زبان و بیان این سبک برای نزدیکی با مخاطب، عاطفی و صمیمانه است؛ بنابراین، این نزدیکی و حس یکی شدن با مخاطب طبیعتاً محتاج استفاده از لحن و واژه‌هایی است که به این صمیمیت کمک کند و به آن سرعت ببخشد.

واژه‌ها و کلمات به کار برده شده در این نوع روایت‌ها، همانند دیگر عناصر سازندهٔ این سبک، عامه‌پسنداند. تعلق خاطر که از انتخاب این نوع واژه‌ها به شاعر دست می‌دهد، نزدیک و صمیمی کردن مخاطب با خود است. شاعر این سبک، به این نتیجه رسیده است که با مخاطب خود به لحنی دوستانه و خودمانی تری صحبت کند تا مخاطبش از خواندن و شنیدن روایت وی لذت ببرد و این نزدیکی و حس دوستانه با انتخاب واژه‌های عامه‌پسند، امکان‌پذیر است. واژه‌هایی زود فهم و ساده، مانند: عطرآگین، اختران یا ستاره‌ها، کولی، هنگامه، تشنج، مجسمه، کوی و بازار و ...

نکته دیگر، بیان محاوره و عامیانهٔ این شاعران است که برای ایجاد فضای صمیمی در روایت‌های خود از آن استفاده کرده‌اند. لحن صمیمی و محاوره‌ایی که شاعر وارد روایت‌های خود می‌کند، یکی دیگر از ویژگی‌های مشترک شاعران سبک روایی است که در حیطهٔ ویژگی‌های زبانی، مورد بررسی قرار می‌گیرد. فروغ فرخ‌زاد از جملهٔ این شاعران است که از این گونه روایت‌ها استفاده کرده است:

یه ماهی انگار که یه کپه دوزاری

انگار که یه طاقه حریر

...

خامه‌دوزیش کرده بودن

قایم موشک بازی می‌کردن تو چشاش

دو تا نگین گرد صاف الماسی

همچی یواش

...

صورت آبوناز می‌کرد... (فرخ‌زاد، ۱۳۸۱: ۲۷۰)

و همین نوع از لحن صمیمی و عمومی در شعر شاملو:

یکی بود یکی نبود

زیر گنبد کبود

لخت و عورتنگ غروب سه تا گریه نشسه بود

زار و زار گریه می‌کردن پریا

مٹ ابرای باهار گریه می‌کردن پریا

گیس‌شون قد

کمون رنگ شبی... (شاملو، ۱۳۸۴: ۱۵۸)

و همچنین در مثال زیر از سپهری که در حدّ واژه‌های استفاده شده در این لحن:

درها به طنین‌های تو وا کردم

هر تکه نگاهم را به جایی افکندم، پر کردم هستی ز نگاه... (سپهری، ۱۳۸۷: ۲۵۶)

و در این نمونه نیز:

کفش‌هایم کو؟

چه کسی بود صدا زد: سهراب؟ ... (همان: ۳۹۰)

در اشعار شاعرانی چون مشیری و شفیعی نیز این واژه‌های محاوره‌ای که بیانی صمیمی به

روایت‌هایشان داده‌اند، کمابیش دیده می‌شود:

بهارم، دخترم آغوش واکن،

که از هر گونه گل آغوش واگرد

زمستان ملال‌انگیز بگذشت

بهاران خنده بر لب آشنا کرد ... (مشیری، ۱۳۸۹: ۹۹)

دو گوشم بر ترانه دلنشینی

که تنها - دختر همسایه می‌خواند:

ستاره سر زد و بیدار بودم

دِپایِ رخنه دیوال بودم

دِپایِ رخنه دیوال حولی

هنو در انتظار یار بودم ... (شفیعی، ۱۳۷۶: ۱۳۴)

و یا:

شهرِ خاموشِ من! آن روح بهارانت کو؟

شور و شیداییِ انبوهِ هزارانت کو؟

می‌خزد در رگِ هر برگِ تو خونابِ خزان ... (همان: ۲۹۶)

با شاهد مثال‌های ارائه شده، می‌توان به این نتیجه پی برد که بیان و لحن صمیمانه این شاعران به کمک واژه‌هایی که در زبان کوچه و بازاری مرسوم است، شکل گرفته است. احمد شاملواز میان شاعران سبک گفتاری، روایت‌هایی به نام و برجسته‌ای را پدید آورده است. سروده‌های حکایت‌واری مثل: قصهٔ هفت کلاغون، خروس زری-پیرهن پری، ملکهٔ سایه‌ها و... از جملهٔ این آثاراند.

نتیجه‌گیری

سبک گفتاری یا روایی با توجه به ترتیب زمانی شاعران پیرو خود، از جنبه‌ها و ویژگی‌های مشترکی در بین آنان برخوردار است که این ویژگی‌های مشترک در سه حوزه مضمونی، صوری و زبانی همان‌طور که پیش‌تر شرح آن گذشت، نمود و برجستگی دارد. از طرف دیگر اشتراکات موجود در بین سروده‌های این شاعران نشان‌دهنده این است که سبک گفتاری در هر برهه‌ای از زمان، الگوی خاص خود را دارد و همین که باعث پیدایش این اشتراکات در بین شاعران پیرو سبک گفتاری می‌شود. بر همین اساس می‌توان ادعا کرد که این ویژگی‌ها و جنبه‌های مشترک که مجموعه شاعران سبک گفتاری را همانند زنجیری به هم پیوسته و شبیه به هم کرده است، یکی از بارزترین وجه سبک گفتاری محسوب می‌شود.

یکی دیگر از مشخصه‌های بارز این سبک را می‌توان وجود دو نوع زبان متفاوت معیار و محاوره در میان سروده‌های شاعران پیرو سبک روایی دانست. پیروان سبک روایی با پدید آوردن سروده‌هایی به زبان معیار و محاوره، سبب به وجود آوردن ویژگی‌های مشترکی در این سبک شده‌اند که اهمیت آن غیر قابل انکار است. البته باید تأکید کرد که تفاوت در مضامین در بررسی ویژگی‌های سبکی، به معنای تفاوت بنیادین در ویژگی‌های مشترک شاعران پیرو سبک روایی محسوب نمی‌شود و آنچه مهم است اشتراک ویژگی‌های سبک‌شناختی این سبک است. بنابراین آنچه گذشت، سبک گفتاری یا روایی قسمت قابل توجهی از آثار و اشعار شاعران معاصر را از ابتدای پیدایش این سبک تا اکنون به خود اختصاص داده است.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- آفرین پور، یحیی، (۱۳۷۶)، از نیما تا روزگار ما (تاریخ ادب معاصر فارسی)، انتشارات زوآر، تهران.
- ۲- اخوان ثالث، مهدی، (۱۳۷۸)، از چهره‌های شعر معاصر (اخوان، شاملو، سپهری، شفیعی کدکنی). نشر سخن، تهران.
- ۳- جورکش، شاپور، (۱۳۸۳)، بوطیقای شعر نو، انتشارات ققنوس، تهران.
- ۴- حقوقی، محمد، (۱۳۶۴)، شعر نو از آغاز تا امروز، جلد اول، نشر یوشیج، چاپ پنجم.
- ۵- _____، (۱۳۶۸)، شعر و شاعران، انتشارات نگاه، چاپ اول.
- ۶- دست‌غیب، عبدالعلی، (۱۳۷۳)، نقد آثار احمد شاملو (ا. بامداد). نشر آوین، تهران. چاپ پنجم.
- ۷- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۴۷)، شعر بی دروغ شعر بی نقاب، انتشارات جاویدان، تهران.
- ۸- سپهری، سهراب، (۱۳۷۱)، هشت کتاب. انتشارات طهوری، چاپ یازدهم.
- ۹- _____، (۱۳۸۷)، هشت کتاب. انتشارات طهوری، چاپ پانزدهم.
- ۱۰- شاملو، احمد، (۱۳۴۳)، «سخنی نیست» در آیدا در آینه، انتشارات نیل، تهران.
- ۱۱- _____، (۱۳۵۲)، همچون کوچه‌ای بی انتها. (ترجمه احمد شاملو)، انتشارات صفی‌علی‌شاه، چاپ اول.
- ۱۲- _____، (۱۳۷۲)، مرثیه‌های خاک و شکفتن در مه، انتشارات نگاه، تهران.
- ۱۳- _____، (۱۳۷۷)، بن‌بست‌ها و بیره‌های عاشق، (گزیننده: ع. پاشایی)، نشر یوشیج، تهران.
- ۱۴- _____، (۱۳۸۴)، مجموعه آثار، دفتر یکم شعر، انتشارات نگاه، چاپ ششم.
- ۱۵- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۵۰)، صورخیال در شعر پارسی، انتشارات نیل، تهران.
- ۱۶- _____، (۱۳۷۶)، آینه‌ای برای صداها، نشر سخن، چاپ اول.

بررسی ویژگی‌های مشترک سبک‌شناسی گفتاری در...

- ۱۷ _____، (۱۳۷۷)، آواز باد و باران، برگزیده شعرها با نقدی از تقی پورنامداریان، نشر چشمه، تهران، چاپ اول.
- ۱۸ _____، (۱۳۸۵)، آینه‌ای برای صداها، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.
- ۱۹ _____، (۱۳۸۵)، هزاره دوم آهوی کوهی، انتشارات سخن.
- ۲۰- فرخ‌زاد، فروغ، (۱۳۸۲)، مجموعه اشعار، انتشارات ایرانیان، تهران.
- ۲۱- فتوحی رودمعجنی، محمود، (۱۳۹۰)، سبک‌شناسی (نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها)، انتشارات سخن، تهران.
- ۲۳- مشیری، فریدون، (۱۳۷۹)، گزیده اشعار، انتشارات نگاه، تهران.
- ۲۴ _____، (۱۳۸۹)، گزیده اشعار، انتشارات نگاه، تهران.

مقالات

- ۱- شاملو، احمد، (۱۳۶۹)، «گفتگوی مسعود خیام با شاملو»، ماهنامه دنیای سخن: شماره ۳۸.
- ۲- شریفیان، مهدی، (۱۳۸۱)، «بررسی سمبل‌های سبک، کبوتر، گل سرخ و نیلوفر در اشعار سهراب سپهری»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۲۱.
- ۳- طاهباز، سیروس، (۱۳۶۷)، «هنر و زندگی نیما». کیهان فرهنگی: سال پنجم، شماره ۱۰.
- ۴- مظفری، علیرضا، (۱۳۹۱)، «ویژگی‌های بنیادی سبک‌های شعر فارسی». مجله تاریخ ادبیات، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۷۱/۳.